

که و بر فرض است یا ذکر می که زیادتی عمل وی شود یا آنکه کسبی
 کرده که او را و اهل و عیال را کفایت بود تا محتاج بکس نشود
 پس نشاید که روزگار خود در سر و کار این احتیاطها کند پس ازین
 جهت بود که صحابه رضی الله عنهم هرگز بچنین احتیاطها مشغول
 نمیشدند اینها غیر کردن بود و کسب و طلب حلال و تحصیل
 یا بکاری ازین هم تر مشغول بودند و بیای برهنه بر راه رفتند
 و بر زمین نماز گزارند و بی روی چاک نشستند و چون
 چیزی خوردند دست را با مالیدن و از عرق چهار پا
 اعتراض نکردند و بیشتر سعی در پاک کردن آقا کرد
 از گاهلی پاکی ظاهر کنند او را نرسد که اعتراض بر اهل احتیاط
 کند **شرط دوم** آنکه خویشمنان از ریا و کبر و حسد نگاهدارد
 چنانکه در ایم در آن گویند که گویند او مردی پارساست و بعد
 از عجب گرفتار و هرگز بیای برهنه بر زمین نهد و نگوید
 چیزی از کون او بخورد یا از آبتابه او و نه سوارند بر کوه
 تصورها در خود بیاید پس بمل او ای آن مشغول شود و در پیش
 بیای برهنه

بیای برهنه بر زمین برود و اگر نفس او را ازین خوش بیاید
 بکس گرفتار شده است و ریا حرام است و احتیاط نیست
شرط سوم آنکه گاه گاه بر خصم کار کند و احتیاط بر خود
 فرض نکند بجز گرفتار باشد زیرا که خصم رسالت افواه محمد
 از آبتابه مشرک طهارت کرده و امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب رضی الله
 از سبوی تر مسا طهارت کرده و پیشتر نماز بر سر خاک کردندی
 و بر خاک خفتندی پس متابع سیره ایشان باید کرد و اگر نهند
 دلیل آنست که اولاد بیای ریا یافته است **شرط چهارم**
 آنکه گویند که در میان مسلمانان در آن باشند ترک آن بکنند و احتیاط
 زیرا که آنرا در دل مسلمانان کورن حرام است و ترک حرام نیست
 چون کسی باشند مصافحه یا معانقه تو کند و اندام او عرو کرده
 باشد و خود را از وی باز گیرد حرام باشد پس خلق خوش
 کردند و متعجب بر مسلمانان کردن بهتر و فاضلت باشد از آنکه خود
 را از آبتابه کند که اگر بیای بر سجاده او نهد یا از کوزه آوی
 بخورد و از سبخی سخت گوید پس اینها را بگرد **نقلست**